



ارزیابی فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی ایران به عنوان

شاخصی از توسعه عادلانه

سمیه جعفری^۱

فرشاد مومنی^۲

عباس شاکری^۳

حسین راغفر^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۸

چکیده

توسعه از اساسی‌ترین موضوعات داخلی و بین‌المللی کشورهاست و هر کشوری در پی یافتن جایگاه خود در این فرآیند عظیم و چند بعدی است. هدف این پژوهش «بررسی فقر چند بعدی در ایران به عنوان شاخصی از توسعه عادلانه» است. بررسی تجربه‌های موفق توسعه نشان می‌دهد که آن‌ها برخورد برنامه‌ریزی شده و عالمانه‌ای برای طراحی یک برنامه‌ی توسعه‌ی ملازم با عدالت اجتماعی داشته‌اند. از این رو در این پژوهش ابتدا مفهوم توسعه عادلانه مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج نشان می‌دهد که توسعه عادلانه، مسئله فقر را نه فقط در قالب فقر در آمدی بلکه فراتر از آن در قالب محرومیت فقر، محرومین، اقلیت‌ها و گروه‌های به حاشیه رانده شده از دسترسی عادلانه به وجوه مختلف زندگی با کیفیت و با رفاه معرفی کرده و توجه فقر چندبعدی را در کانون تعریف توسعه عادلانه قرار می‌دهد. در این راستا در این پژوهش، محاسبه شاخص فقر چندبعدی به روش آلکایر و فاستر صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد روند این شاخص در مناطق روستایی ایران در طی سال‌های مورد بررسی کاهشی بوده و از ۰/۴۸۳ در سال ۱۳۶۹ به ۰/۱۸۳ در سال ۱۳۹۳ رسیده است. این کاهش به منزله کاهش وسعت و شدت فقر چندبعدی طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸ در مناطق روستایی است. در خصوص خانوارهای شهری این شاخص در سال ۱۳۷۰ برابر ۰/۲۳۹ است که بالاترین میزان طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۲ است که بعد از آن طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۲ یک روند نوسانی را تجربه می‌کند اما طی این سال‌ها این شاخص در سال ۱۳۸۲ برابر با ۰/۲۶۰ و سال ۱۳۸۶ برابر با ۰/۲۹۴ است که بالاترین مقدار شاخص فقر چند بعدی طی سال‌های مورد مطالعه است که علت آن می‌تواند تورم‌های بالا و رکود اواخر دهه ۱۳۸۰ باشد.

واژه‌های کلیدی: توسعه عادلانه، فقر چند بعدی، روش آلکایر و فاستر، عدالت.

Keywords: Fair Development, Multidimensional Poverty, Alkier and Foster Method, Justice.

JEL Classification: I32, P36, O10.

^۱ دانشجوی دکترای اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
somayehj99@gmail.com

^۲ استاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
farshad.momeni@gmail.com

^۳ استاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
shakeri.abbas@gmail.com

^۴ استاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
raghfara@alzahra.ac.ir

۱- مقدمه

۷ دهه تاریخ توسعه پس از جنگ جهانی دوم، با تحول ادراک مفهوم توسعه نیز همراه بوده است. شاید مهم‌ترین تحول در مفهوم توسعه تغییر از مفهوم صرفاً رشد اقتصادی به تحولی ساختاری و کیفی است که ضمن بهبود ابعاد درآمدی و غیر درآمدی رفاه، از پایداری و نیز توزیع عادلانه برخوردار باشد (دنی و دیهان^۱، ۲۰۰۸). تجارب دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی که طی آن رشد بدون فقرزدایی و اصلاح سایر متغیرهای اجتماعی پیگیری شد و دستاوردهای بسیار تلخی به جای گذاشت، نشان داد یکی از مسائلی که در فرآیند توسعه باید در نظر گرفته شود، بهبود متغیرهای اجتماعی است که مهم‌تر از همه‌ی آن‌ها توزیع عادلانه‌ی درآمدها و عدالت می‌باشد. آن‌ها دریافته‌اند که توسعه بدون عدالت امکان‌پذیر نیست و جامعه بدون عدالت نمی‌تواند به نحوی موثر توسعه یابد. هر چند «کلیه نظام‌های اقتصادی مدعی عدالت هستند اما هر یک برداشتهای متفاوتی از عدالت دارند و آن را به گونه‌ای متفاوت تعریف می‌کنند» (نمازی، ۲۰۰۳: ۲۳۳).

فقر و توسعه دو مفهوم در هم تنیده‌اند که می‌توان آن‌ها را دو روی یک سکه دانست. یک اقتصاد پیشرفته و توسعه‌یافته باید عاری از هرگونه فقر باشد؛ در واقع، فقر نمود توسعه نیافتگی اقتصاد است. دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر، یکی از معیارهای سنجش توسعه یافتگی و از اهداف مهم دولتمردان است. با نگاهی به روی دوم سکه توسعه، یعنی بررسی وضعیت فقر، می‌توان از درصد تحقق پیشرفت و رشد اقتصادی آگاهی یافت. به همین جهت بررسی و ارزیابی روند توسعه و فقرزدایی ضروری به نظر می‌رسد. از این رو توسعه عادلانه مفهومی است که هیچ کس نسبت به اصالت و حقانیت آن تردیدی ندارد. در حالی که در دوران اولیه توسعه بسیاری از اقتصاددانان بزرگ هر نوع سمت‌گیری معطوف به عدالت را به ضرر نظام اقتصادی، بالندگی تولید و انگیزه‌های کارآفرینی می‌دانستند با گذشت زمان و با پرداخت هزینه‌های انسانی و مادی قابل توجه به تدریج کار به جایی رسید که در شرایط کنونی نسبت عدالت اجتماعی و توسعه ملی در قالب رابطه‌ای ارگانیک تبیین می‌شود و شرایط عادلانه و برخورداری همه اقشار جامعه جزء متغیرهای بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ی عملکرد مطلوب اقتصادی محسوب می‌شود (مومنی، ۲۰۱۱: ۷۳).

از آن‌جا که مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی ایران و نیز چشم‌انداز بیست ساله کشور، بحث عدالت، کاهش فقر و نابرابری بوده است به گونه‌ای که اصول ۳۱، ۲۹، ۲۱، ۴۳ و ۳ قانون اساسی مساله فقر و رفاه اقشار آسیب‌پذیر را به صراحت مورد توجه قرار داده‌اند هر چند در این زمینه

^۱. Dani & deHaan (2008)

فعالیت‌هایی انجام شده و موفقیت‌هایی هم حاصل شده لیکن امروزه با افزایش فقر و نابرابری در ایران و افزایش شکاف طبقاتی پرداختن به مساله عدالت اهمیت بیشتری یافته است. از این رو در این پژوهش در بخش دوم مقاله، به بررسی مفاهیم توسعه عادلانه و رابطه آن‌ها با عملکرد اقتصادی پرداخته می‌شود. بخش سوم به بررسی تجربیات و مطالعات انجام شده در خصوص فقر چند بعدی می‌پردازد. در بخش چهارم، روش‌شناسی پژوهش، ابعاد و زیر شاخص‌های فقر چند بعدی معرفی می‌شود. سرانجام بخش پنجم، به تخمین مدل فقر چند بعدی با استفاده از روش آلکایر و فاستر اختصاص یافته است. در انتها، بخش پایانی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بیان می‌گردد.

۲- مبانی نظری

همان‌طور که جهان رشد کرده است، تداوم فقر شدید و اختلاف در حال افزایش درآمد و رفاه بین فقیرترین و ثروتمندترین مردم جهان به طور ناخودآگاه افزایش یافته است (استیگلیتز، ۲۰۱۶). کوزنتس در سال ۱۹۵۵ در یکی از مقاله‌های خود با عنوان «رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی»، این فرضیه را مطرح نمود که در مسیر توسعه اقتصادی هر کشور، نابرابری درآمد ابتدا افزایش پیدا کرده و پس از ثابت ماندن در یک سطح معین به تدریج کاهش می‌یابد. هر چند شواهد جمع‌آوری شده در طول سه دهه اول بعد از جنگ جهانی دوم این الگو را ثابت کرد اما با گذشت زمان و تداوم رشد، با ارزیابی ابعاد مختلف، نابرابری و فقر همچنان افزایش یافته است (استیگلیتز، ۲۰۱۶). از سوی دیگر، در سالیان اخیر تقلیل مفهوم توسعه اقتصادی و جستجوی رشد سریع برای کشورهای در حال توسعه، اگر چه در بعضی از این کشورها پیامدهای رفاهی بدنبال داشته لیکن زمانی که عدم کاهش فقر (حکیمیان^۱، ۲۰۱۱) و یا عدم کاهش نابرابری (علی^۲، ۲۰۰۷) همراه با آن مورد توجه قرار می‌گیرد، جای خود را به نگرانی از سرریز به پایین این رشد در کل جامعه یا بخش‌های محروم‌تر می‌دهد.

اختلاف‌های در حال افزایش رفاه، درآمد و آشفستگی سیاسی که پیرامون جهان مشاهده می‌شود، از بهار عربی و بحران‌های در حال افزایش پناهندگان گرفته تا جنبش‌های اشغال، به مثابه نوعی پارادوکس رشد برای کشورهای در حال توسعه است که مطالعات جهانی، نرخ‌های رشد رو به پیشرفتی برای اکثر این کشورها در قرن ۲۱ نشان می‌دهد (حکیمیان، ۲۰۱۱). در حالی که علت عمق این بحران‌ها را می‌توان ریشه در حس ناامیدی و احساسات عمیق بی‌عدالتی و نابرابری دانست (استیگلیتز،

1. Stiglitz (2016)

2. Hakimian (2011)

3. Ali (2007)

۲۰۱۶). اما آنچه اهمیت دارد این است که تقلیل بررسی تحولات توسعه‌ای جامعه به ردگیری تحولات رشد، درک دقیقی از آنچه در این کشورها در حال رخ دادن بوده و آن تحولی که شهروندان این جوامع در زندگی خود تجربه می‌کردند ارائه نمی‌دهد (رجب پور، ۲۰۲۰). تایید این مطلب را شاید بتوان در مطالعه صندوق بین‌المللی پول مشاهده کرد که علیرغم این که نشان می‌دهد در افق‌های بلندمدت، رابطه قوی بین رشد و توزیع درآمد برابر وجود دارد با این حال کاهش نابرابری و حفظ توزیع برابر می‌تواند دو روی یک سکه باشند (برگ و استری^۱، ۲۰۱۱) خود این مطلب گواه کاستی‌های شاخص رشد در بیان تحولات اجتماعی و مفهوم توسعه است.

از این رو، یافته‌های مطالعات فوق و بررسی تجارب توسعه در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که توسعه فقط رشد اقتصادی نیست، بلکه توسعه دلالت بر بهبود همه‌ی عرصه‌های زندگی دارد. از سوی دیگر در باب مساله عدالت ما با پیچیدگی‌های به مراتب بیشتری روبه‌رو هستیم زیرا موضوع عدالت هم رفتار اجتماعی فرد است و هم ساختار و کارکرد نهادهای اجتماعی و هم وضعیت نهایی توزیع ثروت، قدرت و منزلت (مومنی، ۲۰۱۱: ۴۲۷) و از طرفی ساحت‌های عدالت می‌تواند اقتصاد، سیاست، روابط اجتماعی، قانون، قضاوت و حتی روابط بین‌المللی در نظر گرفته شود. عدالت به لحاظ ماهوی نیز مورد توجه نظریه‌پردازان قرار گرفته و آن را به مثابه‌ی اعطای حقوق، مراعات شایستگی‌ها، نبود تبعیض، وجود توازن اجتماعی، رعایت بی‌طرفی و عاقبت نیل به وضعیت بایسته، در نظر گرفته‌اند. همچنین برای عدالت مبانی متعددی نیز در نظر گرفته شده که از حقانیت ذاتی تا احساس‌گرایی از خواست خداوند تا طبیعت‌گرایی، از تاریخ‌گرایی تا عمل‌گرایی و سرانجام از کثرت‌گرایی اخلاقی تا قراردادگرایی را شامل می‌شود (توسلی، ۱۹۹۶).

تعاریف عملیاتی از عدالت به طور عمده در دو قالب ارائه شده است که از آن‌ها با عناوین عدالت رویه‌ای و عدالت توزیعی نام برده می‌شود. عدالت توزیعی به لحاظ تاریخی ریشه در آرای ارسطو داشته است که در این دیدگاه اصول مربوط به تخصیص و توزیع در درجه نخست باید بر مبنای ارزش‌های فردی و سپس مساوات سامان یابد و مهم‌ترین ملاک و ضابطه برای توزیع منابع جامعه، شایستگی و لیاقت در نظر گرفته می‌شود (رفیع پور، ۱۹۹۱: ۴۴). در حالی که عدالت رویه‌ای تحت تاثیر اندیشه‌های افلاطون قرار دارد که رویکردی جمع‌گرا به عدالت اجتماعی را ارائه می‌دهد، عدالت توزیعی به انتظام دقیق امکانات و مواهب جامعه، مانند ثروت، قدرت، درآمد، و فرصت بین افراد و شهروندان می‌پردازد. نظریه‌های عدالت توزیعی به دنبال پاسخ به سوال، کدام کالاها باید

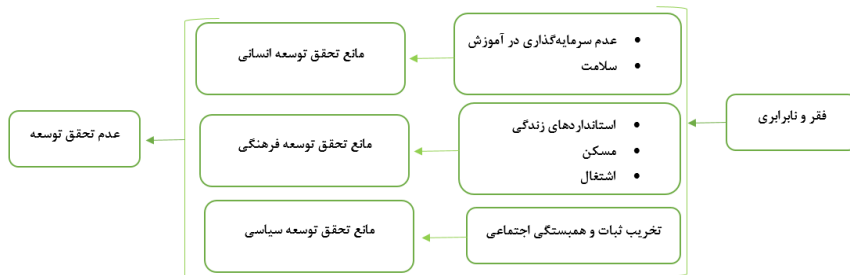
^۱. Berg & Ostry (2011)

توزیع شود؟ این کالاها بین کدام گروه‌ها باید توزیع شود؟ و توزیع دقیق این کالاها چگونه باید باشد؟ است. لیکن نظریه‌های عدالت توزیعی اغلب به این پرسش که چه کسی حق اجرای یک مطلوب مشخص را دارد، یعنی چه کسی باید مجری عدالت توزیعی باشد، پاسخ نمی‌دهد.

چگونگی توزیع درآمد، میزان فقر و نابرابری در جامعه یکی از مظاهر چگونگی برخورد جامعه با موضوع عدالت توزیعی است و نتیجه حاصل از این توزیع تاثیر اساسی بر عملکرد کنونی و آتی جامعه در زمینه اقتصادی، اجتماعی و امنیتی دارد. از این رو، مکاتب عدالت توزیعی را از نظر مفهوم عدالت به سه دسته کلی می‌توان تقسیم کرد: در برخی مکاتب، نظریه برابری عدالت به معنای برابری و یکسانی آورده شده است و از همین رو هرگونه اختلاف و تفاوت در درآمد افراد جامعه به معنی نابرابری و بی‌عدالتی در نظر گرفته می‌شود. دسته دوم، عدالت به معنای برابری نیست و بخشی از نابرابری‌ها، که هنوز معیار و شاخصی برای اندازه‌گیری و تعیین آن معرفی نشده است، به مفهوم بی‌عدالتی نیست، ولی عین عدالت است و نبود آن در بین افراد جامعه به معنی نوعی بی‌عدالتی است. نظریه شایستگی، مشارکت و انصاف و نیز نظریه مارکسیسم از جمله نظریه‌هایی است که بر این مفهوم از عدالت تکیه دارد. در این نظریه‌ها وجود حد مشخصی از تفاوت بین افراد جامعه در برخورداری از مواهب و امکانات جامعه بی‌عدالتی خوانده نمی‌شود. البته باید توجه داشت که نابرابری نفی نمی‌شود و فقط زمانی که نابرابری از یک حد خاص بیشتر شود، آن نابرابری را نشانه‌ای از وجود بی‌عدالتی می‌شمرند. در دسته سوم، یعنی نظریه نیاز، مانند طرفداران نظریه‌های شایستگی، انصاف و مشارکت به موضوع عدالت در توزیع درآمد و سایر امکانات و مواهب جامعه نگاه می‌کند. این گرایش هر تفاوت و نابرابری را با بی‌عدالتی متناظر نمی‌داند. تفاوت دیدگاه این دو نحوه فکری به منشأ فکری و به منشأ ایجاد این نابرابری در توزیع درآمد باز می‌گردد که در مکتب نیاز ناشی از تفاوت افراد جامعه در نیاز به مبالغ تفاوت درآمد یا امکانات و مواهب دیگر برای تامین خواسته‌هاست. برداشت و تفسیر نیاز در بین پیروان این نظریه متفاوت است. برخی تامین حداقل نیازها و برخی تامین حداکثر نیازها را مد نظر دارند. طرفداران تفسیر حداقل در مکتب نیاز افرادی هستند که به تامین حداقل نیاز افراد جامعه به خوراک، پوشاک، سرپناه و ... اعتقاد دارند. این گروه به نوبه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند که دسته نخست به برابری و یکسانی در سطح حداقل برای همه افراد جامعه اعتقاد دارد. دسته دوم طرفدار تفاوت این سطح حداقل برای افراد دارای شرایط مختلف است. هر یک از این الگوهای سه‌گانه توزیع درآمد، به مثابه ابزار تحقق عدالت در توزیع این کالای اجتماعی کمیاب، نتایج خاص خود

را به دست داده و برای شرایط خاصی از جامعه مناسب‌ترند (ابوالفتحی، ۲۰۱۱: ۵۱-۴۳).
 افق بحثی که از این زاویه پدیدار می‌شود چگونگی برقراری رابطه عدالت اقتصادی و توسعه را نیز مشخص می‌سازد. هرچند که توسعه عادلانه تعریف یکسانی نداشته و معادل‌های گوناگونی در ادبیات موضوع می‌توان برای آن سراغ گرفت^۱، با این وجود این توسعه به طور کل درباره بهبود استانداردهای زندگی همه بخش‌های جامعه است. به بیانی دیگر، رشد اقتصادی، سرعت یکسان تغییر اقتصادی برای تمامی افراد جامعه به ویژه بخش‌های محروم و به حاشیه رانده شده را تضمین نکرده و این یکسان‌انگاری بهبود رفاه اجتماعی با رشد اقتصادی، غفلتی مهم در لزوم بهبود وضعیت^۲ به حاشیه رانده شده‌ها^۳ در فرآیند توسعه به وجود می‌آورد (استراتژی، ۲۰۰۸).

همان‌طور که نمودار (۱) نشان می‌دهد فقر و نابرابری باعث می‌شود که افراد کم‌توان‌تر جامعه نتوانند در آموزش سرمایه‌گذاری کنند و یا از شرایط سلامت مناسبی برخوردار شوند که این امر در بلندمدت مانع تحقق توسعه انسانی در جامعه می‌شود. همچنین عدم برخورداری از استانداردهای زندگی این افراد مانع تحقق توسعه فرهنگی در جامعه شده و از سوی دیگر این فقر باعث تخریب ثبات و همبستگی اجتماعی می‌شود، آن‌گاه شاهد عدم تحقق توسعه سیاسی در جامعه خواهیم بود. از این رو می‌توان گفت بین فقر و توسعه نیافتگی رابطه مستقیمی وجود دارد.



منبع: یافته‌های پژوهش

نمودار ۱: تاثیر فقر و نابرابری بر تداوم توسعه نیافتگی

با وجود تفاوت‌های نظری در خصوص عدالت، لیکن این اتفاق نظر وجود دارد که عدالت به نوعی کاستن نابرابری میان افراد جامعه و از بین بردن جلوه‌های عریان فقر است و از نظر میردال فقر و روند فزاینده‌ی آن، کوهی عظیم از مشکلات و موانع به وجود می‌آورد در نتیجه به عنوان شرط لازم در تسریع توسعه، معکوس کردن این روند و فراهم کردن برابری بیشتر فوریت دارد (میردال،

^۱ مفاهیم مختلفی را می‌توان معادل توسعه عادلانه دانست، مفهومی نظیر:

(Fair Development, Equal Development, Egalitarian Development, Inclusive Development)

۱۸۵۵: ۷۸). به عبارت دیگر هرگونه کوشش برای بهبود وضع فقرا از یک سو باید بر یک استراتژی بنیادی توزیع مجدد درآمد و ثروت بر محور توزیع دارایی‌های مولد استوار باشد و از سوی دیگر می‌باید به مثابه‌ی یک جزء جدایی‌ناپذیر از کلیت برنامه توسعه ملی در نظر گرفته شود (مؤمنی، ۲۰۱۷). طبق تعریف توسعه عادلانه در اینجا، مسئله فقر را محرومیت فقرا، محرومین، اقلیت‌ها و گروه‌های به حاشیه رانده شده از دسترسی عادلانه به وجوه مختلف زندگی با کیفیت و رفاه معرفی کرده و توجه به فقر چندبعدی را در قانون تعریف توسعه عادلانه قرار می‌دهد.

۳- مروری بر مطالعات تجربی

طی سال‌های اخیر، محاسبه فقر چند بعدی به روش آلکایر و فاستر زمینه پژوهش برای بسیاری از مطالعات بوده است که برخی از این مطالعات در جدول (۱) و (۲) خلاصه شده است.

۳-۱- مطالعات خارجی

در جدول (۱) برخی از مطالعات منتخب که با روش آلکایر و فاستر، فقر چند بعدی را محاسبه کرده‌اند، به طور خلاصه بیان شده است.

جدول ۱: مطالعات انجام شده خارجی

مطالعه	اهم نتایج
سانتوس ^۱ (۲۰۱۸)	در ۱۷ کشور آمریکای لاتین به بررسی و محاسبه شاخص فقر چند بعدی به شیوه آلکایر و فاستر پرداخته‌اند. این شاخص شامل سیزده متغیر است که درون پنج بعد گروه‌بندی شده‌اند. در این پژوهش برای همه نام‌آگرا وزن مساوی ۷/۴٪ در نظر گرفته شده است به جز درآمد و حمایت‌های اجتماعی که به ترتیب وزن ۱۴/۸٪ و ۳/۴٪ در نظر گرفته شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که فقر در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۰۵ کاهش یافته است همچنین نتایج نشان می‌دهد که فقیرترین کشورهای آمریکای مرکزی گواتمالا، هندوراس و نیکاراگوئه هستند و کم‌ترین فقر در سه کشور جنوب شرقی اروگوئه، آرژانتین و شیلی مشاهده شده است.
ناتن و رولن ^۲ (۲۰۱۲)	با استفاده از داده‌های پایگاه EU-SILC برای کودکان کشورهای انگلیس، آلمان، فرانسه و هلند در سال ۲۰۰۷ به محاسبه شاخص فقر چندبعدی و نسبت سرشمار تعدیل ^۳ شده پرداخته‌اند. در این مطالعه چهار بعد و ۱۲ شاخص با وزن‌های مساوی در نظر گرفته‌اند، بر اساس نتایج این مطالعه ۵۷ درصد از کودکان هلندی با حد ثانی ^۴ فقیر محسوب شده‌اند (حداقل در یک شاخص محروم بوده‌اند) و ۲۸ درصد از آن‌ها با حد ثانی ۲ فقیر محسوب شده‌اند. در انگلیس، فرانسه و آلمان بین ۶۵ تا ۶۹ درصد از کودکان حداقل در یک شاخص محروم بوده‌اند. و میزان فقر برای حداقل ۲ شاخص در این سه کشور بین ۴۰ تا ۴۲ درصد متغیر است.
جیانویو ^۵ (۲۰۱۱)	با استفاده از داده‌های وزارت بهداشت و تغذیه چین طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۰ به بررسی فقر چند بعدی در چین پرداخته‌اند. در این مطالعه پنج بعد درآمد، آموزش، سلامت، امنیت و استانداردهای سطح زندگی را بکار گرفته‌اند و نتایج بدست آمده نشان داد که سطح فقر چند بعدی با افزایش رشد اقتصادی در چین کاهش یافته است. نرخ سرشمار فقر چند بعدی در مناطق روستایی ۱/۴ تا ۱/۵ برابر مناطق شهری است و همچنین نشان می‌دهد تا قبل از سال ۲۰۰۶ عامل اصلی فقر محرومیت از تامین اجتماعی بوده است که طی سال‌های مورد مطالعه کاهش یافته است.

ماخذ: مطالعات تحقیق

1. Santos (2018)

2. Notten & Roelen (2012)

3. Adjusted Head Count Ratio

۴. در روش آلکایر و فاستر برای شناسایی فقرا یک حد ثانی (k) مورد استفاده قرار می‌گیرد که برای $0 < k < 1$ تابع شناسایی ρ_k تعریف می‌شود.

5. Yu (2011)

۳-۲- مطالعات داخلی

از آن‌جا که در ایران نیز مطالعاتی در این زمینه انجام شده است از این‌رو در جدول (۲) مطالعات داخلی در خصوص فقر چند بعدی مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲: مطالعات انجام شده داخلی

مطالعه	اهم نتایج
ضرغامی (۲۰۱۷)	در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به محاسبه فقر چندبعدی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ به روش استاندارد (دادن اوزان مساوی به هر بعد) و پرسشنامه (تعیین اوزان با پرسش از متخصصان) پرداخته است. نتایج این پژوهش حاکی از روند صعودی فقر چندبعدی و درآمدی در این بازه یازده ساله است. همچنین وی نشان می‌دهد که سهم بعد درآمد از شاخص فقر چندبعدی در طول دوران یازده ساله نسبت به سهم بقیه ابعاد بیشتر شده است که وی بعد درآمد را با معیارهای میزان کالری مصرفی و میزان پروتئین مصرفی اندازه‌گیری کرده است.
دادگر و همکاران (۲۰۲۰)	به بررسی فقر چند بعدی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ در استان‌های ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی پرداخته‌اند. نتایج تفکیکی استان‌ها برای مناطق شهری نشان می‌دهد که حدود ۱۷ درصد ساکنان شهرها در استان سیستان و بلوچستان دارای فقر چند بعدی هستند. پس از سیستان و بلوچستان که در درجه بالای فقر قرار دارند، استان‌های آذربایجان غربی با ۱۲ درصد، یزد و کرمان هریک با اندکی کم‌تر از ۱۰ درصد قرار دارند. در مناطق روستایی، حدود ۶۰ درصد ساکنان روستاها در استان سیستان و بلوچستان دارای فقر چند بعدی هستند. بعد از سیستان و بلوچستان که درجه فقر بالایی دارد، خراسان جنوبی و کرمان هر یک با ۳۶ و ۳۲ درصد قرار دارند.
جلالی (۲۰۱۹)	به بررسی شاخص فقر چند بعدی طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۱ در جامعه شهری ایران پرداخته است. در این بررسی، برای محاسبه شاخص فقر چند بعدی شش شاخص امکانات زندگی، میزان سواد، ساختمان محل زندگی، تغذیه، اشتغال و بیمه خدمات درمانی در نظر گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شاخص فقر چند بعدی در دوره زمانی مورد بررسی کاهش داشته است؛ همچنین، با بررسی نتایج تجزیه شاخص در شهرهای کوچک، خانوارهای با سرپرست زن و خانوارهای پر جمعیت میزان فقر بیشتر و در خانوارهایی با وضعیت فعالیت صنعتی میزان فقر کمتری مشاهده شده است. به علاوه، این شاخص در طول زمان و در گروه‌های کم درآمد افزایش داشته است.
فطرس و قدسی (۲۰۱۴) و (۲۰۱۶)	در مطالعه سال ۱۳۹۳، تنها روش شناسی الکایر و فاستر را تشریح کرده‌اند بدون آن‌که فقر را محاسبه نمایند. در مطالعه دیگری در سال ۱۳۹۶ به بررسی فقر چندبعدی در سه بعد آموزش، سلامت و استانداردهای زندگی طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳ پرداخته و عملکرد برنامه‌های پنج ساله توسعه را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که میزان فقر چند بعدی ایران طی سال‌های مورد مطالعه کاهش یافته است و به طور کلی برنامه‌های توسعه سبب کاهش فقر چند بعدی طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۳ شده است.

ماخذ: مطالعات تحقیق

بر خلاف روش آلکایر و فاستر (۲۰۱۱) که تنها سه بعد آموزش، بهداشت و استاندارد زندگی را با اوزان مساوی بر محاسبه فقر چند بعدی در نظر می‌گرفت، در این مطالعه با توجه به اطلاعات موجود در بودجه خانوار، ۵ بعد (به تفکیک خانوارهای شهری و روستایی در نظر گرفته شده است) که طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۸ محاسبه شده است. هیچ مطالعه داخلی تاکنون با این وسعت زمانی و با استفاده از این شاخص‌ها و ابعاد به محاسبه شاخص فقر چند بعدی در ایران نپرداخته است.

۴- روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش برای محاسبه فقر چندبعدی از روش آلکایر و فاستر (۲۰۱۵) استفاده شده است که نشان دهنده محرومیت افراد جامعه در قابلیت‌های اولیه انسانی است و الگوی متفاوتی از فقر درآمدی ارائه می‌کند. یکی از مزیت‌های این روش این است که مفهوم فقر را به وسیله توزیع مشترک محرومیت‌ها بیان می‌کند و به ویژه برای گزارش پیشرفت سیاست‌های کاهش فقر و مقایسه عملکردهای اقتصادی و اجتماعی کاربرد دارد و بسیار انعطاف‌پذیر است و به بسیاری از داده‌ها و ابعاد قابل انطباق است. همچنین انتخاب شاخص‌ها و معیارهای هر بعد باید متناسب و سازگار با شرایط اقتصادی هر کشور و همچنین دسترسی به اطلاعات باشد. در روش آلکایر و فاستر پس از شناسایی افراد فقیر با استفاده از دو آستانه محرومیت و فقر، وسعت و شدت فقر نیز محاسبه می‌شود. در این روش شاخص فقر چندبعدی، افراد فقیر را با استفاده از آستانه‌های محرومیت و فقر شناسایی کرده که شامل سه بعد سلامت، آموزش و استاندارد زندگی است و هر بعد شامل چند معیار است.

شاخص فقر چند بعدی آلکایر و فاستر (AF) در دو مرحله، افراد فقیر را با استفاده از آستانه محرومیت^۱ و فقر شناسایی می‌کند. مرحله اول شناسایی^۲ افراد فقیر، که با استفاده از آستانه‌های محرومیت افراد محروم هر بعدی شناخته می‌شوند. در این روش فرض می‌شود دستیابی‌های افراد جامعه مورد بررسی به شکل یک ماتریس (دسترسی)^۳ $X^{n,d} = [x_{ij}]$ است که x_{ij} دسترسی فرد i در نماگر j را نشان می‌دهد که در آن جامعه‌ای با n عضو (خانوار) و $d \geq 2$ تعداد نماگرهای مورد نظر شاخص فقر چندبعدی می‌باشد (آلکایر، ۲۰۰۸). برای هر یک از ابعاد یک آستانه محرومیت به صورت Z_j در نظر گرفته می‌شود به طوری که $Z_j \geq 0$ و نشان‌دهنده سطح آستانه محرومیت در نماگر j ام است که به صورت بردار سطری $Z = (Z_1, \dots, Z_d)$ نشان داده می‌شود. بردار سطری $w = (w_1, \dots, w_d)$ نشان‌دهنده بردار وزنی نماگرها می‌باشد که $w_j \geq 0$ نشان‌دهنده وزن نماگر j ام است به طوری که $\sum_{j=1}^d w_j = 1$ می‌باشد (آلکایر، ۲۰۱۳). از طرفی بردار وزنی نشان‌دهنده اهمیت نسبی هر یک از نماگرها است. اگر نماگرها اهمیت یکسانی داشته باشند وزن یکسانی به آن‌ها تعلق می‌گیرد و اگر برای تعیین افراد فقیر نماگری دارای اهمیت بیشتری باشد وزن بیشتری به خود اختصاص می‌دهد.

1. Deprivation Cutoffs

2. Identification

3. Achievement Matrix

با استفاده از ماتریس دسترسی و آستانه‌های بردار محرومیت Z ، یک ماتریس محرومیت^۱ $g^0 = [g_{ij}^0]$ تعریف می‌شود. در این ماتریس $g_{ij}^0 = 0$ اگر $x_{ij} \geq z_j$ در غیر این صورت $g_{ij}^0 = w_j$ ، به عبارتی g^0 یک ماتریس $n \times d$ است که نشان‌دهنده افراد محروم در هر نماگر است. از این ماتریس بردار ستونی جمع وزنی محرومیت‌ها $c = [c_i]$ بدست می‌آید که $c_i = \sum_{j=1}^d g_{ij}^0$ و $0 \leq c_i \leq 1$ که c_i تعداد وزن‌های محرومیت‌هایی است که فرد i تجربه می‌کند، c_i را می‌توان بردار محرومیت فرد i تعریف کرد که بدین صورت فرمول‌بندی می‌شود:

$$c_i = \sum_{j=1}^d w_j I_j \quad \text{که در آن } I_j = 1 \text{ اگر خانوار در نماگر } j \text{ محروم باشد و در غیر این صورت}$$

$$\sum_{j=1}^d w_j = 1 \quad \text{است } I_j = 0$$

۴-۱- گام شناسایی

پس از تعیین میزان محرومیت افراد، شناسایی افراد فقیر با استفاده از آستانه فقر k - که $0 < k \leq 1$ نسبت محرومیت‌های وزنی مورد نیاز برای این است که به لحاظ فقر چندبعدی فرد فقیر در نظر گرفته شود- و تابع شناسایی $p_k(x_i, Z)$ صورت می‌گیرد.

$$\begin{cases} p_k(x_i, Z) = 1 & \text{if } c_i \geq k \rightarrow \text{فرد } i \text{ فقیر است} \\ p_k(x_i, Z) = 0 & \text{if } c_i < k \rightarrow \text{فرد } i \text{ فقیر نیست} \end{cases} \quad (۱)$$

اگر فرد (i) فقیر باشد تابع شناسایی طبق رابطه (۱) برابر یک و اگر شخصی فقیر نباشد تابع شناسایی صفر خواهد بود.

در مرحله شناسایی افراد غیر فقیر حذف می‌شوند، پس از شناسایی افراد فقیر برای محاسبه شاخص فقر از ماتریس سانسور شده^۲ $g^0(k) = [g_{ij}^0(k)]$ استفاده می‌شود که در آن

$$\begin{cases} g_{ij}^0(k) = g_{ij}^0 & \text{if } c_i \geq k \\ g_{ij}^0(k) = 0 & \text{if } c_i < k \end{cases} \quad (۲)$$

ماتریس محرومیت سانسور شده $g^0(k)$ را می‌توان با استفاده از تابع شناسایی و ماتریس محرومیت g^0 و براساس رابطه $g_{ij}^0(k) = g_{ij}^0 \times p_k(x_i, Z)$ تعریف کرد. بنابراین اگر فردی فقیر باشد و

^۱. Deprivation Matrix

^۲. Censored Matrix

تابع شناسایی وی برابر با $p_k(x_{i,z}) = 1$ باشد وضعیت محرومیت وی بدون تغییر باقی می ماند و اطلاعات محرومیت وی حفظ می شود و در صورتی که فردی فقیر نباشد با شناسایی $p_k(x_{i,z}) = 0$ اطلاعات وی با صفر جایگزین می شود. پس از این مرحله می توان بردار ستونی نمره محرومیت های سانسور شده $c(k) = [c_i(k)]$ را تشکیل داد که عبارت است از: (آلکایر، ۲۰۱۳)

$$\begin{cases} 0 \leq c_i(k) \leq 1 & \text{if } c_i(k) = c_i \\ c_i(k) = 0 & \text{if } c_i < k \end{cases} \quad (۳)$$

۴-۲- گام تجمیع

پس از شناسایی افراد فقیر و تشکیل ماتریس محرومیت سانسور شده، می توان در میان افراد شناسایی شده، میانگین گرفته و سنجه تجمیع M_α را با توجه به ماتریس سانسور شده $g^\alpha(k)$ به دست آورد:

$$M_\alpha(x; z) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^d g_{ij}^\alpha(k) \quad \text{s.t } \alpha \geq 0 \quad (۴)$$

زمانی که $\alpha = 0$ است سنجه M_0 نسبت سرشمار تعدیل شده^۲ گفته می شود در واقع M_0 از دو شاخص شدت فقر^۳ (A) و نسبت سرشمار چندبعدی (H)^۴ تشکیل شده است. یعنی $M_0 = H \times A$ که نسبت سرشمار چند بعدی (H) به صورت نسبت افراد فقیر به کل تعریف می شود و می توان آن را از رابطه زیر به دست آورد:

$$H = \frac{q}{n} \quad (۵)$$

که در این رابطه $q(k)$ تعداد افرادی است که بر اساس آستانه k به لحاظ چند بعدی فقیر محسوب شده اند و n جمعیت کل است. شدت فقر A ، میانگین میزان محرومیت است که افراد فقیر تجربه می کنند که به صورت زیر بیان می شود (آلکایر، ۲۰۱۳):

1. Aggregation Measure
2. Adjusted Head Count Ratio
3. Breadth of Poverty
4. Multidimensional Head Count Ratio

$$A = \frac{\sum_{i=1}^n c_i(k)}{q(k)} \quad (۶)$$

که در این رابطه $c_i(k)$ میزان محرومیت پنهانی فرد i و q تعداد افراد فقیر است که در این صورت شاخص فقر چند بعدی از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$PI = M = H \times A = \frac{q}{n} \times \frac{1}{q} \sum_{i=1}^n c_i(k) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n c_i(k) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^d w_j g_{ij}^0 \quad (۷)$$

که بر اساس این رابطه شاخص فقر چند بعدی حاوی اطلاعاتی است که وسعت و شدت فقر را نشان می‌دهد.

یکی از ویژگی‌های مهم شاخص فقر چند بعدی این است که می‌توان آن را برای گروه‌ها یا مناطق مختلف جامعه محاسبه کرد، برای مثال اگر دو منطقه شهری و روستایی داشته باشیم:

$$MPI_{country} = \frac{n_u}{n} MPI_u + \frac{n_r}{n} MPI_r \quad (۸)$$

که در آن u نشان دهنده جمعیت شهری، r نماد جمعیت روستایی و $\frac{n_u}{n}$ نسبت جمعیت نواحی شهری به کل جمعیت و به طور مشابه $\frac{n_r}{n}$ نسبت جمعیت نواحی روستایی به کل جمعیت است (آلکایر و فوستر، ۲۰۱۱: ۴۸۰). در حقیقت $n_r + n_u = n$ و $MPI_{country}$ نشان دهنده شاخص فقر چند بعدی برای کل کشور، MPI_u نشان دهنده شاخص فقر چند بعدی در مناطق شهری، و MPI_r نشان دهنده شاخص فقر چند بعدی در مناطق روستایی است.

۵- سنجش مدل و ارائه نتایج

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش داده‌های خام طرح آمارگیری از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوار است که توسط مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۸ بر پایه اطلاعات شهری و روستایی جمع‌آوری شده است. همچنین حجم نمونه‌ها در سال‌های مختلف یکسان نیست و در محاسبه شاخص آلکایر و فاستر خانوارهایی که فاقد تمامی اطلاعات در تمامی ابعاد بودند حذف شدند. خوشبختانه داده‌های پرسشنامه طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران قابلیت محاسبه تمامی ابعاد را دارد و فقط در بعد سلامت باید از

1. Urban

2. Rural

معیارهای جایگزین استفاده کرد. برخلاف روش آلکایر و فاستر (۲۰۱۱) که تنها سه بعد آموزش، بهداشت و استاندارد زندگی را برای محاسبه فقر چند بعدی در نظر گرفت، در این پژوهش از یازده شاخص در قالب پنج بعد استفاده شده است که عبارتند از:

۱. آموزش: شامل دو شاخص - وضعیت سواد سرپرست خانواده و رفتن به مدرسه کودکان ۶ تا ۱۶ ساله

۲. سلامت خانوار: شامل شاخص وضعیت بیمه خانوار

۳. اشتغال: شامل شاخص وضعیت شاغل بودن سرپرست خانوار

۴. مسکن: شامل دو شاخص تراکم جمعیت و نوع مصالح ساختمانی

۵. استاندارد زندگی: شامل پنج شاخص - دسترسی به برق، دسترسی به آب سالم، دسترسی به سیستم تخلیه فاضلاب، سوخت برای پخت و پز و مالکیت دارایی.

جدول (۳)، جزئیات ابعاد، زیر شاخص‌ها و وزن‌های مربوط به هر یک از آن‌ها را که در محاسبه شاخص فقر چند بعدی ایران در نظر گرفته شدند نشان می‌دهد.

جدول ۳: ابعاد، شاخص‌ها، وزن‌ها و حدود محرومیت در MPI

وزن	محروم است اگر ...	زیر شاخص	ابعاد
$\frac{1}{10}$ $\frac{1}{10}$ $\frac{1}{10}$	سرپرست خانوار ۵ کلاس تحصیلی نداشته باشد. حداقل یک کودک در سن تحصیل ۶ تا ۱۶ سال وجود داشته باشد که تحصیل نمی‌کند.	سال‌های تحصیل حضور فرزند در مدرسه	آموزش ($\frac{1}{5}$)
$\frac{1}{5}$	اعضای خانوار بیمه درمانی نداشته باشد.	بیمه درمانی	سلامت ($\frac{1}{5}$)
$\frac{1}{5}$	سرپرست خانوار بیکار باشد.	شاغل بودن سرپرست خانوار	اشتغال ($\frac{1}{5}$)
$\frac{1}{10}$ $\frac{1}{10}$ $\frac{1}{10}$	سطح سرانه زیر بنا کمتر از ۱۶ مترمربع باشد. مصالح بی‌دوام (جنس واحد مسکونی از خشت و چوب یا خشت و گل باشد).	سطح زیر بنا نوع مصالح	مسکن ($\frac{1}{5}$)
$\frac{1}{50}$ $\frac{1}{50}$ $\frac{1}{50}$ $\frac{1}{50}$ $\frac{1}{50}$ $\frac{1}{50}$ $\frac{1}{50}$	خانواری که برق نداشته باشد. سیستم تخلیه فاضلاب ندارد و یا مشترک با خانوار دیگر است. خانوار به آب آشامیدنی سالم دسترسی نداشته باشد. سوخت پخت و پز چوب یا کربن باشد. خانوار حداکثر یکی از دارایی‌های زیر را در تملک خود داشته باشد، تلویزیون، تلفن، دوچرخه، موتور، یخچال را در تملک داشته باشد و ماشین یا کامیون نیز نداشته باشد.	برق سیستم تخلیه فاضلاب آب سوخت پخت و پز تملک دارایی	استاندارد زندگی ($\frac{1}{5}$)

ماخذ: مطالعات تحقیق

اندازه‌گیری شاخص فقر چند بعدی نیازمند انتخاب آستانه دوم k می‌باشد زیرا با انتخاب این آستانه فقرای چند بعدی شناسایی می‌شوند و از آن‌جا که $0 \leq k \leq 1$ می‌تواند باشد، در این پژوهش

مرزی که برای شناسایی افراد فقیر در نظر گرفته شده است مطابق با روش آلکایر و فاستر (۲۰۱۱) برابر با ۰/۳۳ است.

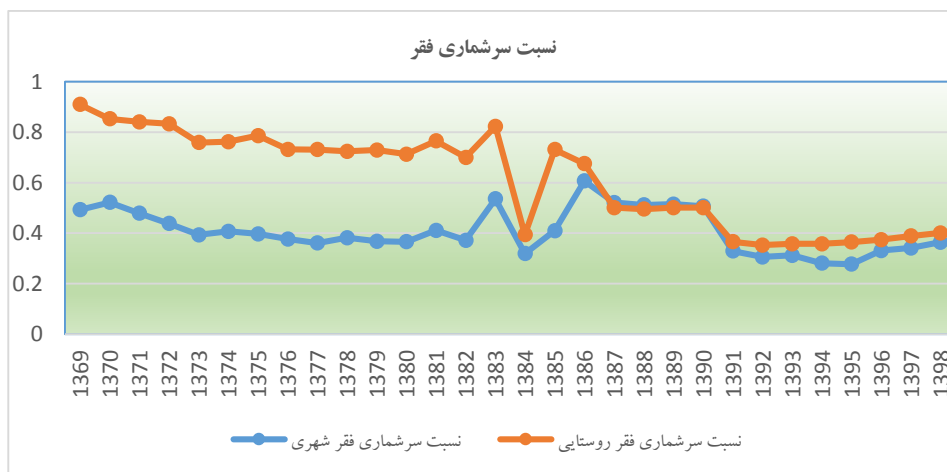
۵-۱- سرشمار فقر چندبعدی (H) جامعه شهری و روستایی

شاخص نسبت سرشمار چندبعدی، شدت فقر را نشان نمی‌دهد، بلکه این شاخص بیانگر درصد افرادی است که فقیر چند بعدی محسوب می‌شوند. با توجه به جدول (۴) و نمودار (۲)، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در مناطق روستایی نسبت سرشمار در سال‌های مورد بررسی به استثناء سال‌های ۸۳، ۸۵ و ۸۶ روندی کاهشی داشته است که اندازه آن از سال ۶۹ با رقم ۰/۹۱ به ۰/۳۷ در سال ۹۶ کاهش یافته است. در مجموع یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نسبت سرشمار چند بعدی در مناطق روستایی از نسبت سرشمار در مناطق شهری بیشتر است که این نتیجه بیانگر این است که در مناطق روستایی افراد فقیر بیشتری در مقایسه با مناطق شهری شناسایی شده‌اند. طی سال‌های ۸۷ تا ۹۰ این نسبت در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است که علت آن می‌تواند تورم‌های بالا و رکود اقتصادی و اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها و تحریم‌های اقتصادی باشد.

جدول ۴: شاخص نسبت سرشمار فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸

آستانه فقر $K = 0/3$		سال	آستانه فقر $K = 0/3$		سال
شهری	روستایی		شهری	روستایی	
۰/۳۱۹	۰/۳۹۴	۱۳۸۴	-	-	۱۳۶۸
۰/۴۱۰	۰/۷۳۱	۱۳۸۵	۰/۴۹۳	۰/۹۱۰	۱۳۶۹
۰/۶۰۷	۰/۶۷۵	۱۳۸۶	۰/۵۲۲	۰/۸۵۳	۱۳۷۰
۰/۵۲۱	۰/۵۰۱	۱۳۸۷	۰/۴۷۹	۰/۸۴۱	۱۳۷۱
۰/۵۱۲	۰/۴۹۵	۱۳۸۸	۰/۴۳۸	۰/۸۳۳	۱۳۷۲
۰/۵۱۵	۰/۵۰۱	۱۳۸۹	۰/۳۹۳	۰/۷۵۹	۱۳۷۳
۰/۵۰۷	۰/۵۰۱	۱۳۹۰	۰/۴۰۷	۰/۷۶۲	۱۳۷۴
۰/۳۲۹	۰/۳۶۶	۱۳۹۱	۰/۳۹۷	۰/۷۸۶	۱۳۷۵
۰/۳۰۶	۰/۳۵۳	۱۳۹۲	۰/۳۷۷	۰/۷۳۲	۱۳۷۶
۰/۳۱۲	۰/۳۵۸	۱۳۹۳	۰/۳۶۱	۰/۷۳۱	۱۳۷۷
۰/۲۸۱	۰/۳۵۸	۱۳۹۴	۰/۳۸۲	۰/۷۲۴	۱۳۷۸
۰/۲۷۷	۰/۳۶۵	۱۳۹۵	۰/۳۶۸	۰/۷۲۹	۱۳۷۹
۰/۳۳۱	۰/۳۷۴	۱۳۹۶	۰/۳۶۶	۰/۷۱۳	۱۳۸۰
۰/۳۴۱	۰/۳۸۹	۱۳۹۷	۰/۴۱۱	۰/۷۶۵	۱۳۸۱
۰/۳۶۴	۰/۴۰۱	۱۳۹۸	۰/۳۷۲	۰/۷۰۰	۱۳۸۲
			۰/۵۳۶	۰/۸۲۳	۱۳۸۳

ماخذ: محاسبات تحقیق



ماخذ: محاسبات تحقیق

نمودار ۲: شاخص نسبت سرشمار فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸

۲-۵- تحلیل نتایج شدت فقر چندبعدی (A)

جدول (۵) و نمودار (۳) شدت فقر چندبعدی را در مناطق شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۶۸ نشان می‌دهد. شاخص نسبت سرشمار، شدت فقر را نشان نمی‌دهد، به پیشنهاد آلکایر و فاستر شاخص شدت فقر از طریق محاسبه میانگین شدت فقر برای فقرا محاسبه می‌شود. شایان ذکر است این شاخص نیز وسعت فقر را نشان نمی‌دهد. فقط بیانگر عمق فقر در جوامع است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود شدت فقر در مناطق روستایی به استثنای سال‌های ۸۷، ۸۸ و ۸۹ از مناطق شهری بیشتر است که بیانگر این است که افراد در ابعاد بیشتری محروم هستند. بررسی روند شدت فقر در مناطق روستایی نشان می‌دهد که شدت فقر از ۰/۵۳ در سال ۱۳۶۹ به ۰/۴۹ در سال ۱۳۹۸ رسیده است.

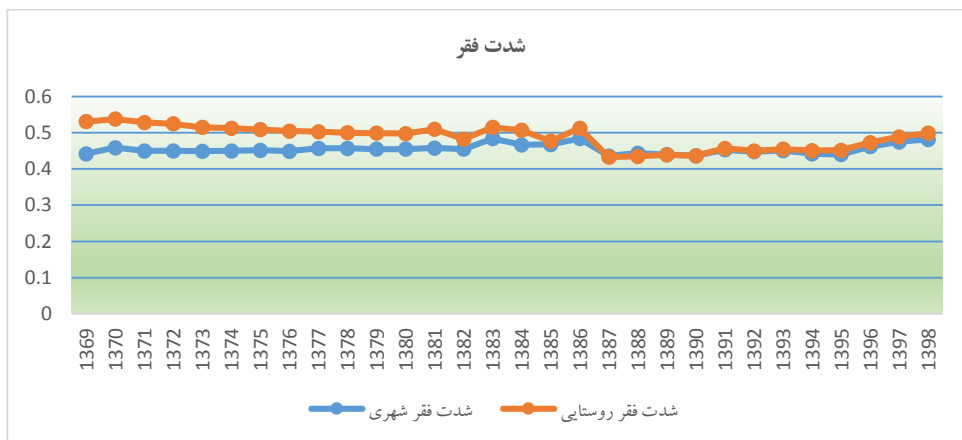
۳-۵- شاخص فقر چندبعدی (MPI) جامعه شهری و روستایی

هر کدام از دو شاخص نسبت سرشمار و شدت فقر معیاری را در نشان دادن فقر چند بعدی دارند. نسبت سرشمار به شدت فقر توجهی ندارد و همچنین شاخص شدت فقر، وسعت فقر را نشان نمی‌دهد. آلکایر و فاستر برای رفع عیب این دو شاخص، شاخص نسبت سرشمار تعدیل شده را که از حاصل ضرب این دو شاخص بدست می‌آید پیشنهاد کردند.

جدول ۵: شدت فقر چندبعدي در مناطق شهري و روستايي ايران طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸

آستانه فقر $K = 0/3$		سال	آستانه فقر $K = 0/3$		سال
شهري	روستايي		شهري	روستايي	
۰/۴۸۴	۰/۵۱۵	۱۳۸۳	-	-	۱۳۶۸
۰/۴۶۷	۰/۵۰۷	۱۳۸۴	۰/۴۴۲	۰/۵۳۱	۱۳۶۹
۰/۴۶۸	۰/۴۷۷	۱۳۸۵	۰/۴۵۹	۰/۵۳۸	۱۳۷۰
۰/۴۸۴	۰/۵۱۳	۱۳۸۶	۰/۴۵۰	۰/۵۲۹	۱۳۷۱
۰/۴۳۶	۰/۴۳۳	۱۳۸۷	۰/۴۵۰	۰/۵۲۵	۱۳۷۲
۰/۴۴۴	۰/۴۳۵	۱۳۸۸	۰/۴۴۹	۰/۵۱۵	۱۳۷۳
۰/۴۴۰	۰/۴۳۹	۱۳۸۹	۰/۴۵۰	۰/۵۱۳	۱۳۷۴
۰/۴۳۷	۰/۴۳۷	۱۳۹۰	۰/۴۵۲	۰/۵۰۹	۱۳۷۵
۰/۴۵۳	۰/۴۵۷	۱۳۹۱	۰/۴۴۹	۰/۵۰۵	۱۳۷۶
۰/۴۴۸	۰/۴۵۰	۱۳۹۲	۰/۴۵۷	۰/۵۰۳	۱۳۷۷
۰/۴۵۱	۰/۴۵۵	۱۳۹۳	۰/۴۵۷	۰/۵۰۰	۱۳۷۸
۰/۴۴۲	۰/۴۵۱	۱۳۹۴	۰/۴۵۵	۰/۴۹۹	۱۳۷۹
۰/۴۴۰	۰/۴۵۲	۱۳۹۵	۰/۴۵۵	۰/۴۹۸	۱۳۸۰
۰/۴۶۲	۰/۴۷۳	۱۳۹۶	۰/۴۵۸	۰/۵۱۰	۱۳۸۱
۰/۴۷۵	۰/۴۸۹	۱۳۹۷	۰/۴۵۵	۰/۴۸۳	۱۳۸۲
۰/۴۸۲	۰/۴۹۹	۱۳۹۸			

ماخذ: محاسبات تحقيقي



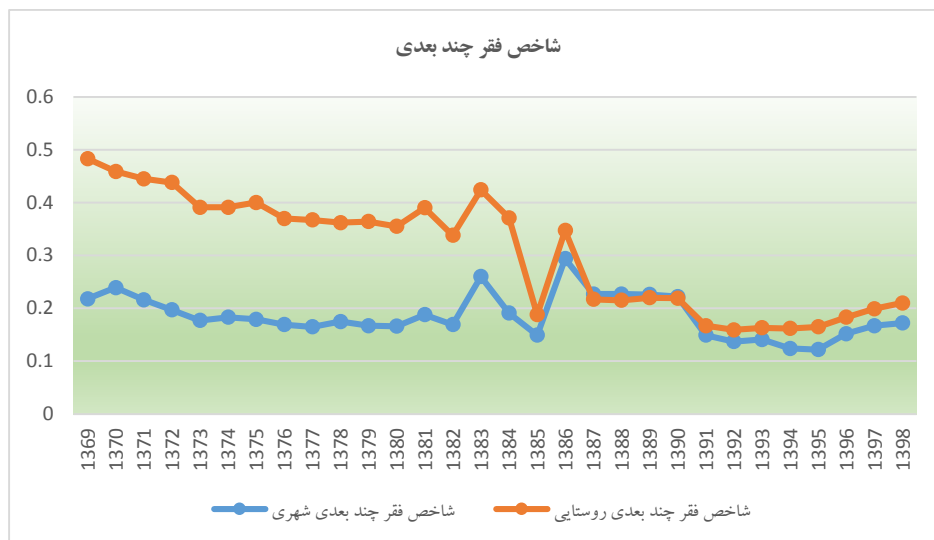
ماخذ: محاسبات تحقيقي

نمودار ۳: شدت فقر چند بعدي در مناطق شهري و روستايي ايران طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸

جدول (۶) و نمودار (۴) سری زمانی شاخص فقر چند بعدی آلکایر و فاستر را نشان می‌دهد. روند این شاخص در مناطق روستایی طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۲ کاهشی بوده و از ۰/۴۸ در سال ۱۳۶۹ به ۰/۳۳ در سال ۱۳۸۲ رسیده است که این کاهش به منزله کاهش وسعت و شدت فقر چند بعدی طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۸۲ در مناطق روستایی نیز است. از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ با یک روند نوسانی فقر روبرو هستیم که توجه به تحولات اقتصادی و سیاسی در ایران طی این سال‌ها تا حد زیادی می‌تواند روند نامنظم این نمودار را توجیه کند. از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ با کاهش نرخ فقر در مناطق روستایی مواجه بوده‌ایم. در خصوص خانوارهای شهری این شاخص در سال ۱۳۷۰ برابر ۰/۲۳۹ است که بالاترین میزان طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۲ است که بعد از آن طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۲ یک روند نوسانی را تجربه می‌کند. اما طی این سال‌ها این شاخص در سال ۱۳۸۲ برابر با ۰/۲۶۰ و در سال ۱۳۸۶ برابر با ۰/۲۹۴ است که بالاترین مقدار شاخص فقر چند بعدی طی سال‌های مورد مطالعه است که علت آن می‌تواند تورم‌های بالا و رکود اواخر دهه ۱۳۸۰ باشد. در سال ۱۳۹۶ شاهد یک افزایش در شاخص فقر چند بعدی هم برای خانوار شهری و هم روستایی هستیم که علت آن می‌تواند نوسانات نرخ ارز و تحریم اقتصادی باشد.

جدول ۶: شاخص فقر چند بعدی آلکایر و فاستر در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸

آستانه فقر K=0.3		سال	آستانه فقر K=0.3		سال
شهری	روستایی		شهری	روستایی	
۰/۲۶۰	۰/۴۲۴	۱۳۸۳	-	-	۱۳۶۸
۰/۱۹۱	۰/۳۷۱	۱۳۸۴	۰/۲۱۸	۰/۴۸۳	۱۳۶۹
۰/۱۴۹	۰/۱۸۸	۱۳۸۵	۰/۲۳۹	۰/۴۵۹	۱۳۷۰
۰/۲۹۴	۰/۳۴۷	۱۳۸۶	۰/۲۱۶	۰/۴۴۵	۱۳۷۱
۰/۲۲۷	۰/۲۱۷	۱۳۸۷	۰/۱۹۷	۰/۴۳۸	۱۳۷۲
۰/۲۲۷	۰/۲۱۵	۱۳۸۸	۰/۱۷۷	۰/۳۹۱	۱۳۷۳
۰/۲۲۶	۰/۲۲۰	۱۳۸۹	۰/۱۸۳	۰/۳۹۱	۱۳۷۴
۰/۲۲۲	۰/۲۱۹	۱۳۹۰	۰/۱۷۹	۰/۴۰۰	۱۳۷۵
۰/۱۴۹	۰/۱۶۷	۱۳۹۱	۰/۱۶۹	۰/۳۷۰	۱۳۷۶
۰/۱۳۷	۰/۱۵۹	۱۳۹۲	۰/۱۶۵	۰/۳۶۷	۱۳۷۷
۰/۱۴۱	۰/۱۶۳	۱۳۹۳	۰/۱۷۵	۰/۳۶۲	۱۳۷۸
۰/۱۲۴	۰/۱۶۲	۱۳۹۴	۰/۱۶۷	۰/۳۶۴	۱۳۷۹
۰/۱۲۲	۰/۱۶۵	۱۳۹۵	۰/۱۶۶	۰/۳۵۵	۱۳۸۰
۰/۱۵۲	۰/۱۸۳	۱۳۹۶	۰/۱۸۸	۰/۳۹۰	۱۳۸۱
۰/۱۶۷	۰/۱۹۹	۱۳۹۷	۰/۱۶۹	۰/۳۳۸	۱۳۸۲
۰/۱۷۲	۰/۲۱۰	۱۳۹۸			



ماخذ: محاسبات تحقیق

نمودار ۴: شاخص فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی

امروزه شاخص فقر چندبعدی در بانک داده‌های جهانی به عنوان یک شاخص توسعه گزارش می‌شود که از این رو این شاخص می‌تواند برای سیاست‌گذار در مقایسه‌های بین کشور ایران و سایر کشورها راهگشا باشد. این پژوهش با استفاده از داده‌های هزینه درآمد خانوار نشان می‌دهد که میزان فقر چند بعدی طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۹۸ کاهش یافته است که البته شدت این کاهش در مناطق روستایی بیشتر می‌باشد و این کاهش به سبب امکانات و تسهیلات زندگی است که برای خانوارهای روستایی فراهم شده است؛ لیکن در سال ۱۳۹۶ شاهد یک افزایش در شاخص فقر چندبعدی هم برای خانوار شهری و روستایی هستیم که علت آن می‌تواند نوسانات نرخ ارز و تحریم اقتصادی باشد. بررسی شاخص فقر چند بعدی نشان می‌دهد که فقر فقط وابسته به درآمد نیست بلکه میزان برخورداری عادلانه افراد جامعه از آموزش، مسکن، اشتغال و میزان تسهیلات و امکانات رفاهی در فقیر بودن یا فقیر نبودن افراد جامعه موثر است. از این رو در سیاست‌های اقتصادی به جای افزایش درآمد خانوارها از طریق پرداخت یارانه به دنبال افزایش قابلیت‌های خانوارها باشند.

بر اساس این پژوهش، می‌توان سیاست‌های زیر را جهت کاهش فقر و ایجاد توسعه عادلانه پیشنهاد کرد:

- ۱- تاکید بر سیاست‌های اشتغال‌زا و تولیدمحور در قیاس با سیاست‌های صرفاً بازتوزیعی (یارانه نقدی، ...)
- ۲- طراحی برنامه‌ی ملی کاهش فقر با مشارکت نهادهای مختلف به جای برنامه‌های جزیره‌ای؛
- ۳- تعیین جایگاه عدالت و تعریف عدالت در برنامه‌های اقتصادی؛
- ۴- ایجاد پایگاه اطلاعاتی و اجرای طرح اندازه‌گیری فقر چندبعدی به طور مداوم و سالیانه جهت شناسایی روند کارایی برنامه‌ها و سیاست‌های انجام شده در سطح کشور.

References

- Abu al-Fathi, L. (2011). "The Basic Principles of Poverty and Justice". Parliamentary Research Center 67-41.
- Adelman, A. (2006). "Errors in Development Theory and its Implications for Policy-Making". Quarterly: Political Economy of Comprehensive Transformation (1): 104-137.
- Ali, I. & Son, H. (2007). "Measuring Inclusive Growth". Asian Development Review **24**(1): 11.
- Ali, I. (2007). "Inequality and the Imperative for Inclusive Growth in Asia". Asian Development Review **24**(2): 1-16.
- Alkire, S. & Foster, J. (2011). "Counting and Multidimensional Poverty". Measurement Journal of Public Economics **95**(7-8): 476-487.
- Alkire, S. & Jahan, S. (2018). "The New Global MPI 2018": Aligning with the Sustainable Development Goals. Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI), Working Paper No. 121.
- Atkinson, A. (2009). "Factor Shares: the Principal Problem of Political Economy?". Oxford Review of Economic Policy **25**: 3-16.
- Berg, A. and Ostry, J. D. (2011). "Inequality and Unsustainable Growth: Two Sides of the Same Coin?". IMF Staff Discussion Note SDN/11/08, April.
- Dadgar, Y. & Nofarsti, M. (2020). "An Assessment of the Level of Trend, and Multidimensional Poverty Distribution in Iran". Scientific and Research Quarterly of Planning and Budget 25th year. Summer 1399, 43-5.
- Dani, A. A. & de Haan, A. (2008). *Inclusive States: Social Policy and Structural Inequalities*, The World Bank.
- Fitras, M. & Ghodsi, S. (2014). "Alkairo-Foster Method for Measuring Poverty". Economic Journal (11 and 12): 77-92.
- Fitras, M. H. & Ghodsi, S. (2016). "Comparison, Performance of Iran's Development Programs with Multi-Dimensional Poverty Index Calculated by Alkair Foster Method". Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research **7**(27): 45-64.
- Hakimian, H. (2011). "The Economic Prospects of the 'Arab Spring' A Bumpy Road Ahead". CDPR Development View Point (63): 1-2.
- Hakimian, H. (2016). "Measuring Inclusive Growth: From Theory to Applications in North Africa". North Africa Policy Series 1-44.
- Jiantuo, Yu (2011). "Multidimensional Poverty in China: Some Preliminary Findings Based on CHNS 2000-2009". Springer **112**(2, A): 315-336.
- Mir, J. (1999). *Basic Topics in Development Economics*, (Vol. I). Tehran, Ney Publishing.
- Mirdal, G. (1855). *Plan Theory to Fight Global Poverty*, Translated by Babak Ghahramannama, First Edition, Tehran, Amirkabir Publications.

- Momeni, F. (2011). *Employment, Economic Justice and Development*, Publication of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly.
- Momeni, F. (2017). *Social Justice, Freedom and Development in Iran Today*, Tehran, Naghsh and Negar Publishing.
- Namazi, H. (2003). *Economic Systems*, Tehran, Sanei Publications.
- Notten, G. & Roelen, K. (2012). "A New Tool for Monitoring (Child) Poverty: Measures of Cumulative Deprivation". *Child Indicators Research* 5(2): 335-355.
- Pikti, Th. (2015). *Capital in the 21st Century*, Translation: A. Poor, Tehran, Ameh Publishing.
- Rafipour, F. (1991). *Rural Community and Its Needs*, Second Edition, Tehran, Anteshar Co.
- Rajabpour, H. & Momeni, F. (2020). "Measuring Inclusive Development in Iran (1981-2016)". *Social Welfare Quarterly* 79: 9-54.
- Sandmos, A. (2015). "The Principal Problem In Political Economy: Income Distribution In The History Of Economic Thought". In a. B. Atkinson, & f. Bourguignon, handbook of Income Distribution (2): 4-67. London: Elsevier.
- Santos, M. E. & Villatoro, P. A. (2018). "Multidimensional Poverty Index for Latin America". *The Review of Income and Wealth* 64(1): 52-82.
- Stiglitz, J. (2015). *The Price of Inequality; How Does An Unequal Society Endanger Our Future?*, Translation: M. Farzin, Tehran, Allameh Tabatabai University.
- Strategy, A. (2008). *The Long-Term Strategic Framework of the Asia Development Bank 2008–2020*, Mandaluyong City, Asian Development Bank.
- Tavassoli, H. (1996). *Theoretical Foundations of Social Justice*, First Edition, Tehran, Publications of the Foundation of the Oppressed and Veterans of the Islamic Revolution.
- Zarghami, S. (2017). *Estimation of Multidimensional Poverty Index for Iran by Alkheir-Foster Method and Comparison of Its Trend with One-Dimensional Poverty Index*, Master Thesis, Faculty of Economics and Management, Sharif University of Technology.

Original Research Article

**Multidimensional poverty in urban and rural areas of Iran
assessed as an indicator of fair development**

Somayeh Jafari¹

Farshad Momeni²

Abbas Shakeri³

Hossein Raghfar⁴

Received: 13-12-2021

Accepted: 28-01-2022

Introduction: Development is a concept that simultaneously implies the change of multiple structures in various aspects of social life and requires a multidimensional process that pursues multi-species goals. Goals change with the introduction of new social variables and needs and increase the responsibilities of development managers. Development has ensured the efforts of a society to achieve its value goals, and its sustainability depends on providing relative welfare, complete security and sufficient awareness for all its members. In fact, sustainable development requires social justice and balanced attention to the cultural, political and economic aspects of the society. This should be done in such a way as to make the human resource development process hopeful.

Development and justice are among the concepts whose legitimacy cannot be doubted. Justice and its position and relationship with economic performance have been explored in the literature of development economics. Over the past four decades, the theoretical and empirical areas of development have witnessed the growing intertwining of national development issues and scientific advancement in social justice. Thus, in the current situation, the relationship between social justice and national development is explained as an organic relationship. Fairness of conditions is an important variable that determines the desired economic performance. The purpose of this study is to study multidimensional poverty in Iran as an indicator of equitable development. A review of successful development experiences shows that they have a wise approach to designing development plans that are consistent with social justice. Therefore, in this study, the concept of equitable development is studied first, and then the multidimensional poverty index is calculated.

Methodology: Since poverty is a multifaceted phenomenon, the study of all its aspects and dimensions requires accurate knowledge. The Alkire and

¹. PhD Student, Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
Email: somayehj99@gmail.com

². Professor, Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

³. Professor, Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

⁴. Professor, Economics, Al-Zahra University, Tehran, Iran

Foster method is one of the most widely used ways of calculating multidimensional poverty. It has also been used by the United Nations to introduce a multidimensional global poverty index. In this study, the index is examined in the five dimensions of education, health, employment, housing and standard of living.

Considering the same weight for each dimension and the same weight for each of the indicators within each dimension, poor households have been found to be deprived of more than one third of the indicators. Then, after the identification of the poor people, Alkier and Foster poverty indices have been calculated using the raw cost-income data of urban and rural households in Iran during the years 1990 to 2020.

Results and Discussion: Calculating the multidimensional poverty index shows that multidimensional poverty has been reduced in urban and rural areas of Iran. Of course, the intensity of this decrease is significantly higher in rural areas. The value of this index in rural areas has decreased from 0.483 in 1990 to 0.183 in 2014. This reduction is a reduction in the extent and severity of multidimensional poverty in rural areas during the years 1990-2020, which can be due to the living facilities provided to rural households in the post-revolutionary years.

However, the decline in this index is not very obvious for urban households because most urban households had access to these amenities during the period. The value of this index for urban households in 1991 was equal to 0.239, which was the highest rate during the years 1990 to 2004. After that, during the years 2004-2009, there was a fluctuating trend. During these years, this index was 0.260 in 2003 and 0.294 in 2007, which was the highest value of the multidimensional poverty index during the studied years. This can be due to the high inflation and the recession in the late 2001.

Conclusion: Nowadays, the multidimensional poverty index is reported in global databases as a development index, so it can be a criterion for policymakers to make comparisons between Iran and other countries. It introduces equitable development not only in income poverty but also in the deprivation of the poor minorities and marginalized groups of equitable access to various aspects of quality and prosperous life. It brings multidimensional poverty into focus by defining equitable development. Therefore, in order to promote development based on justice in a society, conditions must be created for equal opportunities and access to resources such as education, health, employment and living standards.

Keywords: Fair development, Justice, Multidimensional poverty, Alkier and Foster method.

JEL classification: I32, P36, O10.